



خانم نرجس توکلی لشکاجانی، مسئول دفتر هنر و ادبیات پیشرفت گیلان و سرپرست محققان و نویسندگان درس نامه یازش:

«مادر دفتر هنر و ادبیات پیشرفت حوزه هنری گیلان طی پژوهشی مفصل سراغ افراد پیشرو استان رفتیم. بعد از چند ماه پژوهش به نتیجه ای باورنکردنی رسیدیم. یعنی به ۲ هزار نفری رسیدیم که راه پرفراز و نشیبی را طی کرده بودند. این برای ما خیلی عجیب بود؛ آن هم در گیلانی که در بسیاری از آمارها وضعیت بدی دارد. به تحقیق متوجه شدیم بین همین مردم خودمان، آمارهای امیدآفرین و جریان ساز غوغا می کند اما رسانه های موجود در کشور به چنین قهرمانانی ضریب کافی نمی دهند؛ گویا این کنشگران و کارهایشان صدایی ندارند، در رسانه ها تیر نمی شوند و کارهایشان تعقیب نمی شود. مادر دفتر پیشرفت قرار شد صدای این جریان پیشرو و مؤثر و قدرتمند باشیم. درس نامه یازش با همین ایده نوشته شد. وقتی نوجوان با قهرمان های غیرانتزاعی مواجه می شود، افرادی که کنش جدی میدانی دارند و کارشان امکان و بستر تحقق دارد، امیدوار می شوند و با خودشان می گویند من هم می توانم این راه طی شده را بروم.»

آقای مجتبی همتی فر، رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک:

مفهوم زندگی پیچیدگی و تنیدگی دارد و وقتی می خواهیم بچه ها را برای این زندگی آماده کنیم، می آیم این مفهوم را تکه تکه می کنیم؛ می شود درس ریاضی، مطالعات اجتماعی، دینی، حتی چیزی که کشاورز با بیل زدن تجربه می کند را می گوئیم ورزش. با این کار همه روح مسأله را می گیریم و بعد سؤال می کنیم چرا این آموزش ها کار بردی نیست؟ ما با این تقسیم بندی ها و جداسازی ساخت های زندگی و تربیت، روح را از آنها گرفته ایم و قاعدتاً با یک موجود کم روح به راحتی نمی توان ارتباط گرفت. اما وقتی به این درس نامه نگاه می کنیم، می بینیم که این کتاب و آن زندگی ای که به اشتراک گذاشته شده است، برای همه کسانی که دانش آموز و دانشجو هستند یا روحیه اینچینی دارند، حتما مفید است. با خواندن کتاب و تجربیاتی که در آن به اشتراک گذاشته شده، می فهمیم زندگی یک فرد موفق، انگار مثل عسلی است که ما فقط آخرش را دیده ایم و متوجه سختی ها و مخاطراتش نبوده ایم. نسل امروز ما شاید یکی از ویژگی هایش این است که می خواهد سریع و آسان به نقطه ای از موفقیت بالا برسد. زیرا در حالت انفعالی است که نشسته و انتظار دارد اتفاقی بیفتد اما تجربه این کتاب نشان می دهد که اصلاً این طور نیست. شما نه تنها نباید بنشینید، بلکه باید حرکت کنید و خیلی هم نباید انتظار داشته باشید که مسیر هموار باشد. این همان مفهوم کنشگری و فعال بودن است که در اسناد تحولی نظام آموزشی هم بسیار تکرار شده است. در خلال روایت های کتاب می بینیم هر کدام از

سوژه ها کاری را انتخاب و رویش تمرکز کرده است؛ یکی در حوزه چای، یکی زنبورداری، یکی پزشکی و گاهی هم یک شاخه علمی. بعد انگار در یک مرحله ای از دشواری، خداهای را برای او باز می کند و این حس را به مخاطب می دهد که اگر شما حساس باشید به مسائل، بویژه مسائل بوم و مردم خودتان، کار درمی آید و خدا کمک می کند. سال پیش رهبری در دیدار دانشجویی فرمودند، دشمن دنبال ایدئولوژی زدایی از جامعه ماست و به طور ویژه روی دو نقطه دست گذاشته؛ آرمان زدایی و هویت زدایی. این کتاب دقیقاً نقطه مقابل این دو تاست؛ آرمانی را ترسیم می کند که خدمت به این جامعه و پیشرفت است و به آدم های کوچک می دهد که من به عنوان یک فرد می توانم و می شود و نیاز به مهاجرت و از خود بیگانگی ندارم. ما به چنین کارهای الهام بخشی برای دانش آموزان نیاز داریم. نیاز داریم نشان دهیم که کارهای بزرگ، توسط آدم هایی معمولی انجام می شود که یک حرکت فردی را به یک حرکت جمعی و اجتماعی تبدیل می کنند. با استفاده از این روایت ها، به عنوان یک معلم می توانیم آشنایی زدایی کنیم و به زندگی یک آدم معنا بدهیم. کاری که شاید ما معلم ها کمتر می کنیم.

”

برای ما خیلی عجیب بود؛ آن هم در گیلانی که در بسیاری از آمارها وضعیت بدی دارد. به تحقیق متوجه شدیم بین همین مردم خودمان، آمارهای امیدآفرین و جریان ساز غوغا می کند اما رسانه های موجود در کشور به چنین قهرمانانی ضریب کافی نمی دهند



”

ارزش این کتاب از این حیث است که آمده از زبان اثبات عدول کرده به ثبوت. در واقع به جای اینکه بیایی از امید و تلاش و جهد و جهاد صحبت کنی، نمونه های تلاشگری و جهاد و جهاد را نشان می دهی